الغایه
فکیف اذا کان [illegible] الاولانا تلفت
والاشاره [illegible] از اسعاف [illegible] علی اشد این
بعد [illegible] بالذکر [illegible] بانکه چون عدد و افح است
تذکره از [illegible] بعین رضا ملاحظه و مطالعه کنند و
مواضع [illegible] انشاء الله وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب ان
خللی که بینند اصلاح [illegible] سبیلا وما تشاءون الا ان یشاء الله ان الله کان علیما حکیما
هذه تذکره فمن [illegible] والطالبین [illegible] اللهم ارنا الحق حقا وارزقنا اتباعه وارنا
[illegible] وادخلنا فی رحمتک بحق المصطفین من عبادک ومن
الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه [illegible] ابتداء شروع وضع اساس این تذکره [illegible] فصل اتفاق افتاد و مبنی
قدیم وانت حسبنا [illegible] و ذکر [illegible] و اسباب [illegible] مردم در جهان
فصول این است فصل اول در صفت راه آخرت و ذکر [illegible] و امدن از فطرت اولی و رسیدن
[illegible] فصل دوم در اشارت بمبدء و معاد و اشارت بهر دو جهان و ذکر
[illegible] فصل سیم در اشارت بجهان فصل چهارم در
[illegible] و ذکر [illegible] جهان و دیدن جهان و دهان جهان و اخرت فصل پنجم
[illegible] مراتب مردم [illegible] و زبان و اخرت فصل
اینجا و ذکر [illegible] فصل ششم در اشارت [illegible] در ذکر احوال
[illegible]

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: آغاز و انجام
مؤلف متن: خواجه نصیرالدین طوسی محشی:
شارح: مترجم:
تاریخ تحریر: ۱۲۷۸ ق نوع خط: نسخ متوسط تعداد سطر: مختلف
موضوع: حکمت زبان: فارسی عدد اوراق: ۲۲
طول: ۱۸ عرض: ۱۳ شمارهٔ عمومی: ۲۹۵۰۶
وقفی / خریداری
تاریخ وقف: نام کاتب: عبدالحمید حاجی
ملاحظات:
۸۲/۷/

رساله آغاز و انجام تصنیف
[illegible] الملة والدین محقق الطوسی
علیه الرحمه

بسم الله الرحمن الرحیم

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا
یخلف المیعاد . سپاس آفریدگار را که آغاز همه ازوست و انجام همه باوست
بلکه خود همه اوست و درود بر پیغمبران او که راه نمایان خلقند با آغاز و انجام خصوصاً بر محمد و آلش
علیهم السلام . دوستی عزیز از محرر این تذکره سؤال بل التماس کرد که نبذی از آنچه بسالکان راه آخرت تأمل
کرده اند از انجام کار آفرینش شمه‌ای در کتابها [illegible] مسطور است و بزبان انبیا و اولیا بیان کرده از احوال قیامت
و بهشت و دوزخ و غیر آن ثبت کند بر آن وجه که اهل بینش بعیان می‌بینند نه بر آن وجه که اهل دانش بیان میکنند
هرچند اجابت این التماس متعذر بود بحکم آنکه هرچه هست نصیب هر کسی است و نه هرچه [illegible] تواند
دیدن و نه هرچه بیند بتواند دانست و نه هرچه داند بتواند گفت و نه هرچه [illegible] تصور
نوشتن چه الا دیدن بعیان بود و دانستن [illegible] و گفتن بتصریح بود
بعبارت گفتن اجازت نتواند بود و تلویح تواند
[illegible]

فکیف اذا کان الخبر لا کالمعاینة
والاشاره [illegible] ان تلتفت
بعد [illegible] از اسعاف این خبر علی ما ابدی این
تذکره [illegible] و افتح
مؤاخذه نفرمایند [illegible] بعین رضا ملاحظه و مطالعه کنند و
خللی که بینند اصلاح واجب شمرند انشاء الله و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب ان
هذه تذکرة فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا و ما تشاؤن الا ان یشاء الله ان الله کان علیما حکیما
یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمین اعد لهم عذابا الیما اللهم ارنا الحق حقا و ارزقنا اتباعه و ارنا
الباطل باطلا و ارزقنا اجتنابه و ادخلنا فی رحمتک بحق المصطفین من عبادک انک علی کل شیء
قدیر و انت حسبنا ابتدا از شروع و وضع اساس این تذکره بر بیست فصل اتفاق افتاد و فهرست
فصول این است **فصل اول** در صفت راه آخرت و ذکر سالکان و اسباب اعراض مردم از راه
ازان و آفات اعراض **فصل دوم** در اشارت بمبدأ و معاد و آمدن از فطرت اولی و رسیدن
آنجا و ذکر [illegible] قیامت **فصل سیم** در اشارت بهر دو جهان **فصل چهارم** در
مراتب مردم در هر دو جهان و [illegible] و آخرت **فصل پنجم** در
اشارت بمکان و زمان [illegible] **فصل ششم**
در اشارت [illegible] در ذکر احوال
اصحاب

حال مادر حضرت امیر المومنین ع — حفظ از نقطه رکلمه نگشته و هشت بهشت طرح کنند
شده و ملاحظه نمایند که چه حاصل آید

گر کو بیشو او تنها برد شد مرد ادا علی مرتضی بود چنین فرمود آنحضرت که
ز نقطه کو بکش سه خط بود آن دیری که شود مانند ما هی اگر مانند گاو آن زهره باشد بود نیک اما خود بماند
دگر مانند دو مریخ نه زنهار نگردد ایما بر او برگرد آن کار اگر باقی بماند سه و بنهان زنی این خواو در راه او
مرادت حاصل آید هر چه خواهی بیابی دولت از لطف الهی که حاصل شود زین فال نعمت دلی بینی بی رنج و شفقت
اگر زین خط ماند چار نیکوست زحل باشد بیاید دولت از دوست مراد تو شود مجموع تحصیل ولیکن صبر می باید بتعجیل
چو ماند پنج باقی قمر شد همیشه بیند خود بروی دوام اگر باقی بماند شش قمر گیر سر غم با شمع عشق بر
شود کاشانه عمر تو روشن شود بخت تو چون خورشید روشن جو هفت آید عطارد باشد در راه
جو هشت آید نباید بر آن کار دگر نه آیدت آن کار دشوار بشغل شاه مردان فتح کی بود خواه فرد ان
هر انکس کو شک ارد اندرین فال زبان بستی وقت جان داد و شود للال

تکادرسک وناصرك وحافظك وحايزك الله ماشاء الله كان وما لم يشا
لم يكن اشهد واعلم ان الله على كل شئ قدير وان الله قد احاط بكل شئ علما
واحصى كل شئ عددا واحاط بالبرية خبرا ان الله وملائكته يصلون على
النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما ختمت هذا الكتاب
بخاتم الله الذي ختم به اقطار السموات والارض وبخاتم الله المنيع وبخاتم
سليمن بن داود وبخاتم محمد صلى الله عليه وآله وعليهم اجمعين الا ان اولياء
الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون وبالله الذي لا اله الا هو رب العرش العظيم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
حسبي الله ونعم الوكيل
الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
الحليم الطيب الطاهر وصلى الله على محمد وآله اجمعين

قال النبي ص لا تزوج حنفصة ولا عنفصة ولا شهبرة
ولا رهبرة ولا هيبرة ولا نهبرة ولا لفوتا ولا جانة
دراز ولاغر — قصير القامة — بکشنده مو — فرزند دار — انگه پیوسته ناله
ولا منانة ولا دفقاء ولا مربوشة ولا سلقلقة صدق رسول
منت نهنده — زود کوتاه — ترش روی — حیض دیر بیننده

امتحان میکنم

۵۴

ابکار زر و نار
بنرتبه رواج نداند که
... بخواند دم ... ارد
باتویت کار ... خراب ... و داغ گرداند
کیفیت هوا ابر بار اوج بهار ... رونق بهار ... آب
رفت زمین که هوا ابعبوق ... ببرد ... یکباره ... تن به ... زشت
ز موج ... حوض او و ... آب ... فواره نداده بیک قلم تن به ... آدم صفت
استاده همیشه چون الف بر سر آب   اگر ... زمین دارد ... کندم گون ... افتاد
دل بکنندم ... داد   واگر دختر مرز ... بر از رنگ ... بود ... خوش و ... شاخه
زر عکس ... خاک رخیته ... یافته   وار ... رو ... آب ... حوش و ...
اگر نقاش صنع صورت ... ... نکاشت صدق لقد خلقنا الانسان
ونک احسن تقویم ... داشت   کوهش بت ... عشوه و ناز دارد
ز دو آب ... زلفین دراز   از خوش ... ستاده در ... عالم عالم صنوبر ... بنیاد
سطح ... از کلمات ... صفحه ... دارد و روی زمینش از رنگینی عمارت گلستان
بنظر در می آورد   بلند ... حرف ... را ... زده و ... طاقش
رسل تسخیر آفتاب را از آفاق گردانیده   حوض ... آینه صفا بر زانو
ستاده و بجهت شانه کردن از موج گیسوی خود ... ده بقصد ... سنگ مرمر
بر خاک راه فرش گردیده و زمین جلوه کاهش از آب روان ... کفت
تر ... هر قطره او ... لولو ... و ... خشک شده آب ... گهر
فواره او ... ... گرداب ... افکنده ... خود
چادر ... بدور ... ... سراب

ف ۵۰
م ۱

آستان قدس
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: تعداد الانوار (مثنوی - در وصف کشمیر)

مؤلف متن: ملا طغرای مشهدی   محشی:

شارح: مترجم:

تاریخ تحریر: ق ۱۲   نوع خط: نستعلیق متوسط   تعداد سطر: مختلف

موضوع: ادبیات   زبان: فارسی   عدد اوراق: ۳

طول ۱۸   عرض ۱۳   شمارهٔ عمومی ۲۹۵۰۷

وقفی / خریداری

تاریخ وقف: نام کاتب:

ملاحظات: ق ۸۲-۸۰

ر.ک. الذریعه ۱۶/ ۱۶۷   فردوسیه